

تاریخچه

# سربازگیری در ایران

ارتش ایران از قدیم -  
ترین ادوار باستانی ، همیشه  
از دو دسته سپاهیان ثابت  
(که داوطلب و همیشه بخدمت  
حاضر بودند) و سپاهیان موقت  
(که فقط بهنگام ضرورت گرد  
می آمدند) تشکیل می شده است  
چنانکه پادشاهان هخامنشی  
و اشکانی و ساسانی همه وقت  
سپاهیان ملتزم رکاب خود در  
مراکز ساتراپ نشین ها نیز  
نیروهائی داشته اند و هر زمان  
جنگی پیش می آمد ساتراپهای  
شاهنشاهی و حکام ولایات  
لشکریانی شامل قسمتی از همان  
سربازان ثابت خود و عده ای هم  
از مردان جنگجوی روستاهای  
قلمرو حکمرانی خویش برکاب

بقلم

سرنیک منس جهانگیر قائم مقامی

شاه‌شاه میفرستادند و این گروه اخیر فقط تا پایان جنگ در خدمت میماندند و چون جنگ پایان می‌یافت بخانه‌های خویش باز میگشتند.

از نام این عده موقتی در ادوار قبل از اسلام آگاهی نداریم ولی در سالهای بعد از اسلام باین گروه «حمم» و «حشروستائی» و «مسامحه حشر» میگفتند<sup>۱</sup> و دوام این وضع را در تمام دوران سلسله‌های بعد از اسلام تا اواسط دوره قاجاریه می‌بینیم.<sup>۲</sup>

در دوره قاجاریه تا اواسط سلطنت ناصرالدین شاه، سپاهیان ثابتی را که ملتزم رکاب پادشاه و یا ولیعهد می‌بودند «قشون پارکابی» و آنچه را که شاهزادگان و حکام در اختیار داشتند در موقع ضرورت به التزام رکاب شاه میفرستادند «ولایتی» می‌نامیدند.<sup>۳</sup>

از زمان ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ قمری) علاوه بر عناوین مذکور در اصطلاح «قشون متوقف» و «قشون متحرک» نیز وضع و معمول شد، باین معنی که قشون متحرک عبارت از سربازانی بودند که مأمور سرحدات و یا اردوهای مشق و جنگ بودند و قشون متوقف به آنهایی میگفتند که بعد از خاتمه مدت مأموریت در سرحدات و میدانهای جنگ در خانه‌های خود بسر میبردند و در حقیقت این دسته، نیروی ذخیره بوده‌اند<sup>۴</sup> که سالی سه ماه در همان ولایت که سکنی داشتند در میدانهای مشق حاضر میشدند و بتمرین فنون نظامی می‌پرداختند<sup>۵</sup> و دسته اول نیروی تحت‌الصلاح بوده‌اند.

۱ - سرهنگ قائم مقامی: تاریخچه تحولات ارتش ایران، درمهمانه ارتش شماره ۵ سال ۴۳

۲ - رک به همان سلسله مقالات در شماره های ۶ و ۷ و ۸ سال ۴۳

۳ - منشئات قائم مقام ص ۲۸ نامه ۴۴ چاپ نگارنده این مقاله - مأموریت ژنرال گاردان ترجمه اقبال صفحه ۷۷ اصل گزارش مزبور در مجموعه شماره ۷ گزارشات و مدارک Mémoires et Documents مربوط بایران، در بایگانی راکد وزارت امور خارجه فرانسه ضبط است.

۴ - ص ۳۰ و ۷۵-۵۸ مجموعه مقررات نظامی چاپ‌سنکی تهران، سال ۱۲۷۷ قمری

۵ - ص ۵۸ همان مجموعه.

شاهزادگان و حکام شهرستانها هم، چنانکه پیش از این دیدیم، عده‌ای ثابت داشته‌اند (قشون ولایتی) و در وقت احتیاج می‌توانستند عده‌ای سوار نیز تجهیز کنند.<sup>۶</sup>

جیمز موریه<sup>۷</sup> در سفرنامه خود در این خصوص مینویسد: حسینعلی میرزا فرمانفرما حکمران فارس سپاهی مرکب از هزار سوار ثابت داشت و در حدود بیست هزار سوار هم می‌توانست بهنگام ضرورت تجهیز نماید.<sup>۸</sup>

از طرفی بموجب شرحی که هوسمان<sup>۹</sup> درباره ارتش زمان ناصرالدین‌شاه بسال ۱۲۷۵ - ۱۲۷۷ قمری (۱۸۵۸ - ۱۸۶۰ م) نوشته<sup>۱۰</sup> سوار نظام ارتش ایران در این دوره شامل دو قسم سوار نظام منظم و سوار نظام غیر منظم بوده است. سوار نظام منظم (مرکب از دودسته نیزه داران و تفنگداران) مخصوص کار سلطنتی بوده‌اند و سوار نظام غیر منظم نیز بدودسته تقسیم شده‌اند - دسته اول که در خانه‌های خود بودند و ممکن بود خیلی زود حاضر شوند مانند سوار

۶ - سروان بن تان Banten و افسردیکری که نام آن را نمیدانیم و هر دو از انبران فرانسوی بوده‌اند که با هیأت نظامی سرتیپ گاردان Gardanne در سال ۱۲۲۲ قمری (۱۸۰۷) بایران آمده‌اند، از وضع و نحوه احضار این گوته سربازان در موقع جنگ و آمدن آنها به پایتخت بتفصیل صحبت کرده‌اند. گزارش بن‌تان - برگ ۷۱ تا ۷۸ و گزارش دومی برگ ۷۹ تا ۸۴ جلد هفتم (Memoires et Documents) M. D بایگانی وزارت خارجه فرانسه. اولیویه Olivier نیز در سفرنامه خود بنام «سیاحت در امپراطوری عثمانی، مصر و ایران بدستور دولت فرانسه در سال ۱۸۰۵» شرح مبسوطی در این خصوص دارد. قسمت مربوط بایران. نسخه خطی: جلد اول M. D برگ ۲۴۴ Perse

#### ۷ - James Morrier

۸ - لمیتون: مالک وزارت ترجمه فارسی ص ۲۶۳. بسیاری از جهانگردان خارجی هم که در این سالها بایران آمده‌اند مطالب بسیاری در این خصوص نوشته‌اند از جمله دورویل Dorouville که پنج فصل از سفرنامه خود را بشرح سپاهیان ثابت (منظم) و غیر ثابت (غیر منظم) دوره فتحعلیشاه اختصاص داده است. ر.ک. به ج ۲ از ص ۶۷ تا ص ۱۶۰ نسخه فرانسوی.

#### ۹ - Haussemann.

۱۰ - بایگانی تاریخی ارتش فرانسه مجموعه ۱۶۷۳ قطعه ۴۷ تحت عنوان «اطلاعاتی درباره ارتش ایران» Renseignements sur l'armée Persane

نظام منظم از دولت حقوق میگرفتند و دسته دوم در مواقع ضرورت از میان آنها که خودمایل بوده‌اند احضار میشدند و فقط بهنگام خدمت حقوق وجیره دریافت می‌کردند.<sup>۱۱</sup>

بطوریکه از این شرح برمی‌آید سوار نظام منظم، نیروی ثابت و قسم اول از سوار نظام غیر منظم سربازان ذخیره بوده‌اند و قسم دوم از سواران غیر منظم همان حشر روستائی بوده‌است که بعنوان مزدور برای مدت کوتاهی جمع میشده‌اند و حقوقی هم برای مدت خدمت میگرفته‌اند و بنسب این عده‌ای را که در زمان فتح‌علیشاه «قشون انعامی» می‌نامیده‌اند<sup>۱۲</sup> بی‌گمان همین گروه بوده‌اند و جز با حشر روستائی تطبیق نمیکنند.

و اما در خصوص نحوه سربازگیری -

سرتیب گاردان<sup>۱۳</sup> رئیس هیأت نظامی فرانسه که در سال ۱۲۲۲ قمری (۱۸۰۷ م) از طرف ناپلئون بناپارت و بموجب عهدنامه نظامی «فین کن اشتاین بایران آمده<sup>۱۴</sup> است در گزارشی مبسوط که بتاريخ ۲۳ شوال ۱۲۲۲ (۲۴ دسامبر ۱۸۰۷) در خصوص اردو کشتی بهند و ارتش ایران نوشته‌است می‌نویسد: «در ایران هر ایل ملزم است مقدار معینی سوار بدهد».<sup>۱۵</sup>

در آرشو تاریخی ارتش فرانسه هم گزارش دیگری بتاريخ ۱۲۴۶ قمری (۱۸۳۱ م) و مقارن با سالهای آخر سلطنت فتح‌علیشاه موجود است که در آن نیز راجع به طرز سربازگیری در ایران چنین نوشته شده:

۱۱ - سروان دلور فرانسوی Delort ضمن اینکه در گزارش همین مطالب را تصریح کرده است، اضافه نموده که این عده از غنیمتی که از غارت ویتنام بچنگ می‌آوردند امرار معاش می‌نمودند: قطعه ۴۵ مجموعه ۱۶۷۳ بایگانی تاریخی ارتش فرانسه.

۱۲ - منشئات قائم مقام نامه ۴۴ چاپ نگارنده.

۱۳ - Général Gardanne

۱۴ - Finkenstein - در خصوص این هیأت رجوع کنید به «تحولات سیاسی ارتش ایران» تألیف نگارنده چاپ سال ۱۳۲۶ خورشیدی.

۱۵ - برک ۹۸ جلد ۷ Per:c-M.et D. و ص ۶۵ ترجمه فارسی کتاب مأموریت سرتیب گاردان.

«نحوهٔ سربازگیری در ایران بروش ملوکالطوایفی است، هر استان و شهرستان، باستثناء چند شهر، باید عده‌ای سوار با اسب بدهد و اگر سربازی فرار کند یکی از بستگانش را بجای او بخدمت سربازی خواهند برد».<sup>۱۶</sup>

بموجب دو سند دیگر که در دست داریم و آندو، یکی مربوط بزمان مأموریت سرتیپ گاردان در ایران (۱۲۲۲-۱۲۲۴ قمری) است و دیگری مقارن با اواسط جنگ دوم ایران و روس (۱۲۴۱-۱۲۴۳ قمری) نوشته شده و تقریباً همزمان با تدارک مذکور در فوق میباشد. اگر ناحیه شهرستانی که باید تعدادی سرباز بدهد، بعلمتی از فرستادن سرباز خودداری نمیکرده است، برابر قرارداد و صورت دیوانی بایستی بازای هر سرباز مبلغی وجه نقد بعنوان «پیشکش» بخزانة شاه ویا ولیعهد بپردازد تا با آن پول از محل دیگری سرباز فراهم نمایند.<sup>۱۷</sup>

با این مدارک و امارات چنین معلوم می‌شود، تا این زمان سربازگیری در ارتش ایران بدون خود اطلب و اجباری صورت میگرفته است ولی از جزئیات مقررات مربوط بخدمت اجباری و اینکه شرایط و مدت خدمت و مراحل چگونه بوده آگاهی کافی نداریم - همینقدر می‌دانیم برای اینکه سربازان مزبور بارغبیت بیشتر و رضایت خاطر، بخدمت سربازی درآیند، از مالیات سالانهٔ ارضی و احشام خود معاف می‌شدند<sup>۱۸</sup> و مبلغ این مالیات در حدود پانزده

۱۶ - بایگانی تاریخی ارتش فرانسه مجموعهٔ ۱۶۷۳ قطعه ۳۱

۱۷ - میرزا ابوالقاسم قائم مقام: نامه‌ایکه بیکی ازعمال خود نوشته است (مرقع خطی شماره ۲۲۱۴ کتابخانه دانشکده معقول و منقول) قائم مقام در این نامه می‌نویسد: «اعزى آقا احمد... بهترین شقوق این است که خودت به قوشخانه بروی حساب ششصد تومان پیشکشی مستمری قوشخانه را برسی. هرچه سوار فرستاده‌اند یکی شش تومان محل است موافق قرارداد میرزا محمدرضا اما هرچه سوار آنها نرسیده است باید نفری شش تومان بدهند... قرار سال نوقوشخانه هم همینطور خوبست که یا صد سوار رکابی را بدهند یا ششصد تومان پیشکش را...»

۱۸ - گزارشی تحت عنوان «نظری بایران» که توسط یکی از افسران فرانسوی جزو هیأت نظامی گاردان تهیه شده است: برگ ۷۹ جلد ۷ Perle - M. D وزارت خارجه فرانسه. و ترجمه فارسی «مأموریت سرتیپ گاردان» ص ۶۴.

تومان آنروز بوده است<sup>۱۹</sup> و بعلاوه بهر سرباز جهت تأمین معاش خانواده در دهی که اهل آنجا بود مقداری زمین جهت کشت و زرع می دادند و حاصل آن زمین باو تعلق داشت و حیره روزانه شان عبارت بود از روزی یکمن جو و دو من کاه و یک چارک گندم، مگر در فصل بهار که به اسبها علف تازه میدادند.<sup>۲۰</sup>

این روش و مقررات تا خاتمه سلطنت محمد شاه (۱۲۶۴ قمری) بی آنکه نام و عنوان مخصوصی داشته باشد معمول بود و چون ناصرالدین شاه بسلطنت رسید میرزا اتقی خان امیر کبیر صدراعظم او (از محرم ۱۲۶۴ تا ۱۲۶۸ قمری) بنا بر احتیاج آنان مجموع این مقررات را با اصطلاحات و اضافات و تغییر و تبدیل هائی تحت عنوان «قانون بنیچه» و بطور رسمی بمرحله اجرا گذاشت و دلیل این تحول این بود که با اجرای طریقه سابق همه وقت سپاهیانی که در کاب پادشاهان و امرای محلی و حکمرانان حاضر می شدند و می توانستند بحفظ امنیت و آرامش کشور اقدام کنند اما نباید از نظر دور داشت که نگاهداری سپاهیانی بطور دائم (پارکابی) و داوطلب خود هزینه هنگفتی را بخزانة دولت تحمیل می کرد و از طرفی فعالیت نظامی که لازمه ترقی و جنبش و تحریک ارتش زنده و آزموده است بر اثر مرور زمان و بیسکاریهای متواتر و تن آسائی سربازان در زمان صلح از ایشان سلب و زایل می شد و در موقع جنگ نتیجه مطلوب از ایشان بدست نمی آمد و امیر کبیر که میدانست عظمت و سیادت یک کشور بسته بوجود ارتش

۱۹ - نظری بایران برگ ۷۹. در این گزارش نویسنده، مبلغ مالیات سالانه را بر حسب پول فرانسه ۳۰۰ فرانک نوشته و با قرائنی که از ارزش فرانک در این سالها در دست داریم، این مبلغ برابر پانزده تومان آن زمان میشده است. در این مورد بکتاب گاردان ص ۱۱۴-۱۱۵ ترجمه فارسی رجوع کنید که در شرح وقایع سال ۱۲۲۳ قمری می نویسد: «فراهان مدت بیست سال بود که بیش از ۱۵۰۰ تومان (۳۰۰۰ فرانک) مالیات نمیداد و حالیه میزان مالیات آنرا به ۵۰۰۰ تومان (ده میلیون فرانک) ترقی داده اند» و از این ارقام معلوم میشود هر یک تومان برابر با ۲۰ فرانک بوده است.

۲۰ - سفرنامه موریه بنقل از کتاب مالک و زارع ص ۲۶۲ - ۲۶۳. معمول این زمان چنین بوده است که حقوق و مواجب سربازان هر ششماه تأدیه میشد (گاردان ص ۶۷ ترجمه فارسی) و موافق قاعده، مواجب توپچی ها را همیشه قبل از سربازان رسته های دیگری پرداختند (نامه قائم مقام در مرقع ۷۴۵ مجلس شورای ملی).

نیرومند و فعال آن است و آنگونه سربازگیری با نظام جدید هم آهنگ و برای اعتلای کشور ایران کافی نیست دست باصلاح نظام لشکری زدوروش سرباز-گیری را تغییر داد و آنرا بر «بنیچه» گذاشت که مبنای آن منسوخ کردن داوطلب و استخدام سربازان موقتی بطور اجباری بود.<sup>۲۱</sup>

بنیچه در لغت ظاهراً از کلمه بن بمعنی اصل و ریشه مشتق شده اما بهتر آن است آنرا مأخوذ از کلمه بنه بمعنی «جفت» بدانیم که واحد تقسیم و مالیاتی در دهات میباشد زیرا بنه یا جفت اصطلاحیست کشاورزی و بمقدار زمینی اطلاق می شود که بایک جفت گاو میتوان آنرا شخم زد و کاشت و چون تقسیم بندی در دهات بر مبنای جفت گاو و زمین (بنه) بوده<sup>۲۲</sup> است و از طرفی در عرف وزارت دارائی سابق (مالیه) هم صورت تقسیم مالیات هر دهه را که بر آب و خاک آن ده (باز هم بر اساس بنه و جفت گاو) مبتنی بوده<sup>۲۳</sup> بنیچه میگفتند مبنای سربازگیری را نیز برای آنکه قاعده ثابت تر و معلوم تری داشته باشد بر همان بنه بندی و یا بنیچه گذاردند.

بدین ترتیب مقرر شد هر ده بتناسب و تعداد بنه و جفت دایر خود که بر همان اساس مالیات می پرداخت، تعدادی هم سرباز بدهد و در این مورد قاعده برای جاری گردید که از هر ده نفر اهله یکی بخدمت سربازی برود.<sup>۲۴</sup>

۲۱ - با اجرای سربازگیری بروش مقررات بنیچه، بتدریج از تعداد داوطلبان در ارتش کاسته شد، چنانکه موسیویبوره Bourée سفیر فرانسه در ایران در گزارشی بتاریخ ۱۲۷۱ قمری نوشته شده است «ارتش بطور بنیچه تهیه میشود و داوطلب بسیار کم است» برگ ۲۰۰ جلد ۲۵ - ایران در بایگانی وزارت خارجه فرانسه.

۲۲ - هرده و قریه آباد و کامل معمولاً به چهل و هشت جفت و هر جفت به دو نفر تقسیم میشود.

۲۳ - ر. ک. به فرهنگ فارسی استاد معین ذیل کلمه «بنیچه» و مالک و زارع ص ۷۵۷.

۲۴ - غلامحسین حاجبی در مقاله ای زیر عنوان «نظام بنیچه اجباری» (در مجله تشون شماره ۴ سال ۴ تیرماه ۱۳۰۴) نوشته است. «از هر ده نفر رعیت ساکنین قراء و دهات یازدهمی سرباز دولت است... و آن ظاهراً اشتباه است. سرتیب احتسابیان هم در مقاله خود بنام «سربازگیری بطرز بنیچه» (در مجله ارتش سال ۱۳۲۹ خورشیدی) در توجیه این قاعده که از بقیه در صفحه بعد

متن قانون بنیچه‌ای که «یرزا تقی‌خان امیر کبیر تنظیم و جاری نمود، با وجود جستجوی بسیار، متأسفانه بدست نیامد و بدینجهت از جزئیات آن بطور دقیق و کافی آگاهی نداریم؛ تنها خلاصه‌ای از مفاد آن که برخی از نویسندگان بر حسب استنباط و ذوق خود ذکر و نقل کرده‌اند و در پاره‌ای از موارد بایکدیگر اختلاف دارند، در دست است.

بموجب این نوشته‌ها، بر حسب قانون بنیچه‌ی امیر کبیر «برای مملکت سی هزار نفر قشون حاضر اسلح و شصت هزار نفر ذخیره»<sup>۲۵</sup> در نظر گرفته شده بود و «این عده از میان رعیت بترتیب سرشماری»<sup>۲۶</sup> گرفته میشد یعنی از هر ده نفر یک نفر بخدمت سربازی میرفت و قرار بر این بود که سربازان حتی المقدور از میان رعایای «پادار» یعنی آنها که صاحب ملک و حشم هستند انتخاب شوند و اگر رعیتی که برای خدمت سربازی تعیین میشد پادار نمی‌بود آن چند نفر دیگر «باید صد تومان بطور سرشکن جمع آوری نموده و برای خرید ملک و باغ و حشم و یا باصطلاح برای تهیه «علاقه» باو بدهند و این ملک و علاقه در مدتی که صاحب آن، سرباز دولت شمرده میشد در رهن دولت می‌ماند»<sup>۱۷</sup> و صاحب آن تنها حق استفاده از منافع آن را می‌داشت ولی پس از خاتمه دوره خدمت سربازی آن ملک و علاقه بملکیت تعلق او در می‌آمد و بعلاوه دولت

#### بقیه از صفحه قبل

هر ده نفر یکی بخدمت سربازی میرفته است می‌نویسد: «در آن زمان جمعیت تقریبی ایران را در حدود ۱۰ میلیون دانسته و ازین عده پنج میلیون را زن و از پنج میلیون بقیه نصف را بچه و یک میلیون و نیم را اعیان و اشراف و طبقه علما و روحانیون محسوب نموده و آنانرا درخور خدمت سربازی ندانسته و بالاخره یک میلیون مرد قابل خدمت سربازی تشخیص داده شده بود و چون احتیاجات در حدود یکصد هزار نفر بوده مقرر گردید از هر ده نفر قابل خدمت سربازی فقط یک نفر بشام سرباز انتخاب گردد».

۲۵ - حاجبی: شماره ۴ سال ۴ مجله قشون ... و امیر گیلان شاه: «یکصد و پنجاه سال سلطنت در ایران» ص ۳۴.

۲۶ - حاجبی مجله قشون.

۲۷ - همان مقاله - دلیل اینکه ملک و علاقه مزبور را دولت در رهن میگرفت، این بوده است که اگر سرباز مزبور اسلحه دولت را ازین می‌برد و یا خود فرار می‌کرد برای جبران آن وثیقه‌ای در دست دولت باقی باشد.



سالانه شش، تومان حقوق محلی<sup>۲۸</sup> که منظور از آن پول جیب خانوادهٔ سرباز بود و ماهانه هم ۷ قران و نیم حقوق خدمت<sup>۲۹</sup> بسربازان می پرداخت و هنگام احضار بخدمت نیز افراد گروه او یعنی نه نفر دیگر که سرباز نشده بودند يك خروار گندم بنام «خانواری» به عیال و اطفال او می دادند.<sup>۳۰</sup>

سرباز در مدت خدمت از پرداخت مالیات «سرانه» معاف بود و نیز یک نفر از اهالی ده خود او بنام «هم پاه» معین میشد که در غیاب وی بامور رعیتی مربوط باو، رسیدگی نماید و این شخص هم از تأدیه مالیات سرانه معاف می بود.<sup>۳۱</sup> سربازانی که بدین نحو بخدمت سربازی احضار میشدند برای عزینه راه خود از قرار هر فرسنگ (شش کیلومتر)، یک ریال و اگر سواره بودند یک ریال و نیم دریافت می کردند.<sup>۳۲</sup>

خدمت سربازی را با پول نمیشد معاوضه کرد و اگر سربازی حاضر و مایل بخدمت نبود بایستی مبلغی بنام «پادارانه» بشخص دیگری میداد و او را بجای خود بسربازی میفرستاد.<sup>۳۳</sup> و میزان این مبلغ بستگی به تراضی طرفین و طمع آن شخصی داشت که بخدمت میرفت.

از مدت خدمت سربازی و دوره های تحت السلاح و ذخیره، در قانون بنیچه، آگاهی صحیح و صریحی نداریم و هر يك از نویسندگان دورهٔ آنرا بنحوی متفاوت نوشته اند چنانچه برخی<sup>۳۴</sup> خدمت حاضر السلاح را دو سال و دورهٔ کلی خدمت را ۱۲ سال ثبت کرده اند و مرحوم عبدالله مستوفی در تاریخ

۲۸ - مقاله حاجبی - ولی کیلان شاه این مبلغ راسی ریال نوشته است ص ۳۳ .

۲۹ - حاجبی - احتسایان - کیلان شاه .

۳۰ - احتسایان نوشته است: گروه مزبور چند تومانی هم نقد میداده اند [؟]

۳۱ - احتسایان - کیلان شاه علاوه بر آن، در این مورد نوشته است: همیا موظف بوده است هر روز یک ساعت به خانواده سرباز مراجعه نماید تا اگر کاری داشته باشند انجام دهد در مقابل این خدمت او را در سال از پرداخت پنج هزار (پنج قران) که مالیات سرانه است معاف میداشتند، ص ۳۴ .

۳۲ - حاجبی - احتسایان .

۳۳ - مالک وزارع ص ۳۰۷ و ص ۷۵۸ - کیلان شاه ص ۳۴ .

۳۴ - احتسایان - حاجبی .

اجتماعی و اداری دوره قاجاریه نوشته است: سربازانی که بقانون بنیچه بخدمت احضار میشدند شش ماه خدمت می کردند و شش ماه بمرخصی میرفتند. ۳۵ و بموجب مندرجات کتابچه بنیچه قزوین که مربوط بسال ۱۲۸۶ قمریست، سربازان یکسال در حال خدمت بوده اند و یکسال بمرخصی میرفتند. ۳۶

ولی چنانکه از مندرجات مجموعه ای رسمی که نخستین مجموعه مدون از مقررات نظامی در ارتش ایران است و بتاریخ شوال ۱۲۷۷ قمری در تهران بچاپ رسیده ۳۷، برمی آید تا قبل از این تاریخ یعنی تا حدود سال ۱۲۷۷ برای خدمت سربازی زمان و مدتی مشخص و معین نبوده و سربازان نمیدانستند تا چند سال باید خدمت کنند. ۳۸ و این نکته بامدارك دیگری هم که در دست است تطبیق می نماید. ۳۹

بنابراین، از این تاریخ ببعده است که برای خدمت سربازی مدت مصرحی معین شده و این است آنچه در این خصوص در مجموعه مزبور تصریح شده:

۳۵ - ج ۲ ص ۶۹ - ۷۰

۳۶ - سرهنگ مسعود معتمدی: کتابچه بنیچه قزوین - در کتابچه مزبور در این مورد نوشته است «حق خدمت و ساغلوئی فوج در هر نقطه که هست، یکسال تمام است و دو فوج قزوین که عجالتاً بقراولی دارالخلافه مأمور و مشخص است هر کدام سالی بسر خدمت خود می آیند و آن دیگری مرخص است... بررسی های تاریخی شماره ۲ سال یکم ص ۱۶۸

۳۷ - در یکی از شماره های آینده درباره این مجموعه صحبت خواهیم کرد.

۳۸ - ص ۲۹ و در این مورد چنین نوشته شده: «چون در این دولت از اول که بنای گرفتن قشون نظامی شده است برای خدمت قشون زمان و مدتی قرارداده اند و از این است که با همه صدق و ارادتی که ملت در خدمت دولت دارند نوکری دولت را برای حفظ نفوذ اسلام واجب شرعی می شمارند از نوکری سربازی خالی از کراهت نیستند چرا که نمیدانند تا چند سال باید خدمت کنند».

۳۹ - گزارش مبسوط سرتیب گاردان درباره ارتش ایران بتاریخ ۲۳ شوال ۱۲۲۲ در مجموعه شماره ۷ Perse-M.D و ترجمه فارسی کتاب او ص ۶۴ - همچنین گزارش سروان بوفورد دوت پول Beaufort d' Hautpoul که در سال ۱۲۵۵ قمری (۱۸۳۹ میلادی) جزو هیأت سفارت کنت دوسرسی Conte de Sercey بایران آمده بود (برگ ۷۷ جلد ۹ Perse-M. D در وزارت خارجه فرانسه).

«محض ملاحظه رفاه و آسایش مردم، علی‌العجاله قرار مدت خدمت سرباز، ده سال تمام خواهد بود اعم از اینکه مأمور بجائی شود یا متوقف ولایت خود باشد و پس از انقضای ده سال از نو کوری معاف خواهد بود و عوض آن، جدید گرفته میشود مگر کسی که خود داوطلب خدمت شود، البته قبول خواهد شد و امتیاز مواجبه داده میشود. اگر برای دولت قشونی لازم شود حق خواهد داشت که شش سال دیگر هم همان نو کوری که مدت خدمتش منقضی شده است بنو کوری وادارد و پس از شش سال بکلی معاف خواهد بود.»<sup>۴۰</sup>

نکته دیگری که از مندرجات این قانون استنباط میشود، این است که مدت ده سالی که در این تاریخ برای خدمت سربازی معین کرده بوده‌اند، مبتنی بر قراری قطعی نبوده زیرا می‌بینیم که باقید کلمه «علی‌العجاله» دست اولیای امور را برای تغییر مدت باز گذارده‌اند.

بهر صورت، از جزئیات این قانون هم متأسفانه اطلاع کافی در دست نیست و نیز نمیدانیم جزئیات نحوه سربازگیری در این تاریخ چگونه بوده و مدت خدمت سربازی بچند مرحله تقسیم میشده است، همینقدر میدانیم که این قانون که متن آن باستناد مجموعه مذکور در فوق، جداگانه بچاپ رسیده<sup>۴۱</sup> غیر از قانون بنیجه امیر کمبیر است چه به‌وجب استناد رسمی و دولتی مربوط به همین زمان میدانیم در ماه صفر هجرت سال (۱۲۷۷) که نه سال از قتل امیر کمبیر می‌گذشته، قانونی جدید برای سربازگیری تنظیم و تدوین کرده بودند.<sup>۴۲</sup>

در قانون سال ۱۲۷۷ نکته جالب دیگری نیز بچشم می‌خورد و آن موضوع سرباز داوطلب است که در آن قید شده، پس از انقضای ده سال خدمت سربازی،

۴۰ - ص ۴۰

۴۱ - ص ۲۹ مجموعه چایی مقررات نظامی

۴۲ - اسناد رسمی و دولتی مجموعه شماره ۶۲۷۸ وزارت خارجه ایران

اگر کسی خود دوباره داوطلب خدمت شود البته قبول میشود.<sup>۴۳</sup> و این نکته یعنی قبول داوطلب مغایر با منظور و اصل قانون بنیچه است که در نظر داشته سرباز اجباری و موقتی بجای داوطلب در ارتش استخدام شود ولی باید دانست که با وجود این مجوز، فکر منسوخ نمودن سرباز داوطلب از نظر اولیای امور بیرون نرفت چنانکه در کتابچه<sup>۴۴</sup> بنیچه قزوین که مربوط به نه سال بعد از این تاریخ است (سال ۱۲۸۶ قمری) می بینیم صریحاً قید کرده اند «شخص سرباز را هر محلی از نفوس خودش باید بدهد که بتدریج سرباز داوطلب موقوف خواهد بود»<sup>۴۴</sup> - هر چند این نظر هم نه تنها بمرحله عمل در نیامد بلکه از سال ۱۲۹۶ قمری نیز صورت جدی تر و رسمی بخود گرفت باین معنی که در این سال، چون سازمان جدیدی بنام «سواره قزاق» یا «بریکاد قزاق» بوجود آمد<sup>۴۵</sup> روش سربازگیری در آن، بر قاعده استخدام سرباز داوطلب تعلق گرفت زیرا ظاهراً اداره تشکیلات جدیدی بسبب نظام اروپائی باروش شش ماهه و یک سال خدمت و سپس بهمان مدت مرخصی خانه ممکن نمی بود بلکه برای ادامه آموزش چنین نیروئی که بعدها هم نقش بزرگی در سرنواخت کشور ایران بازی کرد، لازم بود سربازان مدت بیشتری و بدون انقطاع بفرآ گرفتن آموزشها و فنون نظامی مشغول باشند.

ولی بمرحاله، نباید از نظر دور داشت که قانون بنیچه اگر نتوانست موضوع داوطلب را موقوف نماید لیکن بر اثر اجرای مقررات آن رسم «قشون پارکابی» که وجودش بامقررات مخصوص بخود آن هزینه گزاف و هنگفتی بخزانة دولت تحمیل می کرد، منسوخ شد و بجای آن هر سال فقط بموجب قانون بنیچه بنام «ساخلو دار الخلافة طهران» احضار میشدند و صورتی از این

۴۳ - ر.ک بکمی بالاتر، قسمتی که از متن مجموعه چاپی نقل شده است

۴۴ - سرهنگ متمدنی: کتابچه بنیچه قزوین.

۴۵ - ر.ک. به تحولات سیاسی نظام ایران فصل دوازدهم - در همین سال سازمان دیگری هم در ارتش ایران تشکیل شد آن «قشون طراح اطریشی» بود ولی افراد آن را هشت هنگ از هنگهای عراقی و خرقانی که بطریق بنیچه گرفته میشدند تشکیل میدادند. رجوع کنید بفصل نهم در کتاب تحولات سیاسی نظام ایران تألیف نگارنده این مقاله.

هنگاه‌ها که در سال‌های مختلف احضار شده‌اند در مجموعه‌ای از اسناد رسمی موجود است. ۴۶

بعد از این تاریخ بسال ۱۳۰۷ قمری میرسیم.

در **کراسه‌المعی**، در شرح این سال مطلب جالبیست که در تاریخ سرباز-گیری ایران ابهامی بوجود می‌آورد و آن این است که در این سال قانونی برای وصول مالیات و عوارض بصحّه ناصرالدین‌شاه رسید و بموجب آن مقرر بود در دهات از هر ۱۸۰ تن مسلمان ذکور یک‌تن برای خدمت سربازی گرفته شود و چون غیر مسلمانان را بخدمت سربازی نمی‌بردند بجای سربازیکصد و پنجاه تومان پول می‌گرفتند. ۴۷

این قانون، با بودن مقررات بنیچه که از هر ده نفر یک‌نفر را بسربازی می‌برده‌اند موجب ابهامی میشود و در نتیجه نمیدانیم آیا این قانون، در این سال بجای قانون سابق وضع شده و یا اضافه بر آن جاری گردیده است. پروفیسور لمبتن هم که باین موضوع در **کراسه‌المعی** برخورد کرده در کتاب خود توضیح بیشتری درباره آن نداده است. ۴۸

ارتش دوره قاجاریه که افراد آن با این روش و مقررات تهیه میشد، در آخرین سال سلطنت ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳ قمری) از عناصر زیر ترکیب‌میشده است: ۴۹

۴۶- اسناد رسمی در وزارت امور خارجه ایران شماره ۶۲۰۶ برگ ۸۷ - به کتابچه بنتیچه قزوین در شماره دوم سال یکم مجله بررسی‌های تاریخی نیز رجوع شود ص ۱۶۸ - ۴۷ - ور ۱۰۵۹ نسخه خطی کتابخانه مجلس شورایملی - این رسم که غیر مسلمانان را بخدمت سربازی قبول نمی‌کردند ظاهراً ادامه و ضعیف‌تر شده که بموجب قانون بنیچه از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه معمول گردیده بود زیرا در گزارش سروان بونوردوت پول فرانسوی که بسال ۱۲۵۶ قمری درخصوص ارتش ایران نوشته می‌بینیم ذکر کرده است: چند نفری هم از مسیحیان و ارمنی‌ها در میان سربازان و حتی درجه‌داران هستند. (برگ ۷۷ ج ۹ PerseM. D)

۴۸- مالک و زارع ص ۳۱۴

۴۹- رک. به ملحقات تألیفات محمد حسنخان صنیع‌الدوله، نشریه وزارت انطباعات چهار جلد مرآة البلدان سه جلد منتظم ناصری، آثار و آلا آثار و درالتیجان فی تاریخ بنی‌الاشکان و بسیاری دیگر.

- ۱- «قشون طرح اطریشی» شامل دو هنگ پیاده، یک هنگ پیاده سبک اسلحه موسوم به فوج مخبران، یک هنگ مهندس و یک هنگ توپخانه ته پیر.
- ۲- «سواره قزاق» شامل سه هنگ سوار بطرز قزاقهای روسی و یک آتشبار توپخانه.
- ۳- «قشون متحرك»<sup>۵۰</sup> یا نیروی تحت السلاح، شامل ۱۰ تومن و جمعاً ۸۰ هنگ پیاده و سوار.
- ۴- «قشون متوقف»<sup>۵۱</sup> یا سربازان ذخیره شامل ۱۰۱ هنگ سوار و ۲۷ فوج پیاده بشرح زیر :
- سواره نظام :

سواره آذربایجانی	۲۱ هنگ
سواره خراسانی	« ۳۴
سواره استرآبادی (گرگانی)	« ۱۰
سواره کرمانی	« ۶
سواره مازندرانی	« ۲
سواره عراقی	« ۳۰

پیاده نظام :

پیاده نظام خراسانی	۲ هنگ
پیاده نظام استرآبادی	« ۱۲
پیاده نظام گیلانی	« ۵
پیاده نظام مازندرانی	« ۲
پیاده نظام کرمانی	« ۵
پیاده نظام عراقی	« ۱

۵۱ و ۵۰- در سالنامه های این ایام همه جا، این دو قسمت را بنام های سابقشان یعنی قشون

ولایتی نام برده اند.

توپخانه شامل دو تومان :

تومان اول شامل ۱۲ هنگ (هنگهای آذربایجانی).

تومان دوم شامل ۱۶ هنگ (هنگهای عراقی).

عده نفرات ارتش در این دوره بطور محقق معلوم نیست زیرا مدارک ایرانی که منحصر به سالنامه‌های رسمی کشور و دولتی بوده پراست از توضیحات و ارقام و عدد این نیروها و بموجب آنها، همه ساله ارتش ایران بدون کمترین تغییری شامل دو بیست هزار نفر بوده است و از آن میان یکصد و پنجاه هزار نفر حاضر بخدمت و پنجاه هزار نفر ذخیره بوده‌اند<sup>۵۲</sup> و جهانگردان خارجی هم که در این سالها بایران سفر کرده‌اند تعداد افراد ارتش ایران را بتفاوت ضبط نموده‌اند چنانکه لرد کرزن جمع آنرا ۴۳۸۸۹ نفر<sup>۵۳</sup> و ویل مورن ۹۰۳۹۲ نفر نوشته‌اند.<sup>۵۴</sup> سرهنگ احتسابیان نیز در مقاله‌ای زیر عنوان «سربازگیری بطرز بنیچه» که پیش از این نیز از آن ذکر بمیان آمد، تعداد ارتش ایران را در این سالها بتصریح ۹۷۲۲۹ نفر نوشته و حتی تعداد سوار و پیاده و توپچی که از هر ناحیه و محل میگرفته‌اند در جدولی بتفصیل ذکر نموده است و با آنکه نویسنده مزبور مأخذ اطلاعات خود را بدست نداده است چون جدول مذکور بنیچه بندی آنروزی ایالات و ولایات ایران را با ارقام ریز نشان میدهد و حائز اهمیت است ما عین آنرا در اینجا نقل می‌کنیم<sup>۵۵</sup>.

۵۲ - ملحقات تاریخ ساسانیان تألیف اعتماد السلطنه... ویل مورن سیاح فرانسوی Auguste Lacoïn de Vilmorin که بسال ۱۳۰۶ قمری بایران آمده است در این مورد می‌نویسد «حقیقت، متأسفانه خیلی با این رقم متفاوت است». ص ۱۵۱

کتاب «از پاریس تا بمبئی از راه ایران» نسخه فرانسوی. چاپ پاریس سال ۱۸۹۵

۵۳ - ایران و مساله ایران. جلد دوم نسخه انگلیسی و ترجمه مختصر آن بقادسی تحت عنوان «جهانگردی در ایران» ترجمه علی جواهر کلام. بخش دوم.

۵۴ - از پاریس تا بمبئی از راه ایران ص ۱۵۰

۵۵ - مجله ارتش سال ۱۳۲۹ شمسی

## جدول بنیچه بندی ایالات و ولایات ایران

شماره ترتیب	ایالات و ولایات سرباز بده	پیاده	سوار	توپخانه	جمع
۱	ولایات مرکزی	۱۱۹۸۹	۲۹۲۴	۲۲۸۸	۱۷۲۰۱
۲	ولایات مازندران	۵۷۴۹	۱۱۶۱	۵۰	۶۹۶۰
۳	ولایات استرآباد	۱۰۰	۱۰۶۱	-	۱۱۶۱
۴	مجال خمسه	۱۵۷۷	۱۳۳۳	۳۱۳۹	۶۰۴۹
۵	ولایات گیلان	۱۲۲	۵۶۳	۵۰۰	۱۱۸۵
۶	ایالت آذربایجان	۲۱۶۱۸	۵۲۷۲	۲۷۶۵	۲۹۶۵۵
۷	ایالت خراسان	۹۳۸۲	۲۵۶۷	۱۰۰	۱۲۰۴۹
۸	کردستان-همدان-کرمانشاه	۷۵۷۴	۵۶۷	۱۳۷	۸۵۷۸
۹	خوزستان	۵۰۰	۱۴۰	-	۶۴۰
۱۰	کرمان	۲۵۷۳	۶۳۲	۱۰۱	۳۳۰۶
۱۱	فارس	-	۳۹۹	۶۴۲	۱۰۴۱
۱۲	مجال اصفهان	۲۵۵۹	۶۳۹	۱۴۷	۳۳۴۵
۱۳	لرستان - بروجرد - ملایر - نهبوند - کمره - گلپایگان - کروس	۵۱۷۵	۲۷۷	۶۰۷	۶۰۵۹
جمع		۶۶۸۷۸	۱۷۶۲۵	۱۰۷۲۶	۹۷۲۲۹



از این پس تا سال ۱۳۲۹ قمری که سازمان نظامی دیگری بنام ژاندارمری تشکیل گردید و افراد آنرا از داوطلبان انتخاب می کردند<sup>۶</sup> باز وضع سربازگیری در ایران آگاهی چندانی نداریم.

مقارن این احوال، قشون «طرح اطریشی» منحل شد. و «بریکاد قزاق» تایک «دیویزیون» توسعه یافته بود و افراد خود را همچنان از افراد داوطلب انتخاب می کرد. تا اینکه در ۲۳ ذی حجه ۱۳۳۳ قمری مطابق بانهم عقرب سال ۱۲۹۴ خورشیدی، قانونی بنام «قانون سربازگیری» شامل ۱۸ ماده بتصویب دوره سوم تقنینیه مجلس شورای ملی رسید و بموجب ماده اول آن «اساس قشون - گیری دولت ایران به طرز بنیچه (خدمت اجباری خصوصی) گذارده شد.

بموجب این قانون مدت مراحل خدمت سربازی ۱۵ تا ۲۵ سال بوده است زیرا عموم افراد کشور در ۴ سالگی از خدمت سربازی معاف میشوند ( ماده ششم ) و چون کسی هم زودتر از سن بیست و بعد از سن سی بخدمت پذیرفته نمیشد ( ماده پنجم ) پس هر فردی که باید سرباز شود بر حسب اینکه در چه سنی وارد خدمت میشده است حداکثر ۲۵ و حداقل ۱۵ سال سرباز شناخته می شد.

سایر مواد این قانون ظاهراً مشابه مقررات بنیچه سابق بوده که آنرا با وضع روزت تطبیق داده بودند.

**قانون سربازگیری مصوبه ۹ عقرب ۱۲۹۴ مطابق**

**با ۲۴ ذی حجه ۱۳۳۳**

«ماده اول - اساس قشون گیری دولت ایران بر طرز بنیچه (خدمت اجباری خصوصی) است.

«ماده دوم - افواج پیاده و دستجات سواره و توپخانه و حتی الامکان از بلوکات و ایلاتی که تا کنون مطابق بنیچه قشون «میداده اند گرفته میشود.

«ماده سوم - ایلات و محلهای سواربده کمافی السابق مکلف «بدادن اسب سوار میباشند مگر در مواردیکه وزارت جنگ مطابق «نظامنامه قشونگیری آنها را معاف نماید.

«ماده چهارم - کلیه عده نقرات قشون بنیچه محلی فعلا صد هزار نفر خواهد بود با این ترتیب که پس از تعیین عده پادار و محللهای قشون بده حالیه ، محل کسر صد هزار نفر را از نقاط آباد دیگر معین نموده و بموجب لایحه مخصوص بمجلس شورای ملی پیشنهاده خواهد نمود . ۵۷»

«ماده پنجم - کلیه افراد قشونی که داخل خدمت میشوند با رعایت مواد نظامنامه قشون گیری باید دارای شرایط ذیل باشند :

۱- تابعیت ایران .

۲- مسلمانی.

۳- نداشتن سن کمتر از بیست و زیاده از سی سال .

۴- صحت مزاج و کامل الخلقه بودن .

«ماده ششم - کلیه افراد بنیچه تا درجه شمشیربند در سن چهل و پنج سالگی از خدمت صفت معافند .

«ماده هفتم - احضار و مرخصی افراد بنیچه برای صفوف و مختلفه نظامی باتشخیص وزارت جنگ و بحکم وزیر جنگ است .

«ماده هشتم - مدت خدمت افراد قشونی دقمتاً نباید متجاوز از دو سال باشد .

«ماده نهم - تعیین افراد قشون هر محلی مطابق بنیچه بعمل خواهد آمد ، با این ترتیب که مأمورین سرباز گیری اشخاص پادار محل را که دارای شرایط سربازی موافق ماده پنجم باشند حاضر مینمایند . هر گاه عده ایشان مساوی عده لازمه است تمام افراد مکلف بدخول در خدمت نظامی خواهند بود و اگر عده ایشان بیشتر باشد عده لازم باقرعه معین خواهد شد .

«ماده دهم- در صورت خرابی و عدم استعداد یکی از محلهای قشون بده که خرابی و عدم استعداد آن را وزارت مالیه نیز تصدیق نموده باشد ، وزارت جنگ میتواند محل مزبور را از دادن کلیه یا قسمتی از عده بنیچه معاف نموده از محلهای مربوطه همان حوزه که استعداد داشته باشند ، با موافقت وزارت مالیه عوض بگیرد .

«ماده یازدهم - محلهایی که مطابق فرامین و یا احکام

۵۷- تا آنجا که اطلاع داریم چنین لایجهای به مجلس پیشنهاد نشده است.

«از دادن نفرات قشونی معاف شده‌اند در صورتی که مطابق ماده دهم معافیت آنها تصدیق نشود از معافیت محروم و مکلف به دادن قشون خواهند بود و در صورتیکه در عوض آن تخفیفات، تخمیلات مالیاتی بمحل شده باشد، آن تخمیلات نیز منسوخ خواهد بود. ماده دوازدهم - بهر یک از نفرات و دستجات قشونی مطابق «میزانی که در بودجه وزارت جنگ از تصویب مجلس شورای ملی خواهد گذشت، حقوق محلی داده میشود.

«ماده سیزدهم - حقوق محلی افواج و دستجاتی که حاضر خدمت هستند برای مدتی که تحت سلاح میباشند از حقوق ایام خدمت آنها کسر خواهد شد.

«ماده چهاردهم - افراد قشون اعم از حاضر خدمت و مرخصی خانه، از مالیات سرانه معاف و عوارض از اسب سوار و نظام مطالبه نخواهد شد.

«ماده پانزدهم - خانواری مستمری یا تخفیف محلی را موافق معمول سابق، مالکین و رعایا و ایلات مطابق دستور وزارت جنگ به آحاد و افراد قشون مستقیماً تأدیه خواهند کرد. ماده شانزدهم - خرج سفر تا بین درموقع حاضر شدن در «سر خدمت که موسوم بکمک خرج است کمافی السابق بر عهده مالکین و اهالی محل است باین ترتیب که از محل سکونت تا بین «تأمر کز اجتماع فوج یادسته سوار و توپچی که وزارت جنگ تعیین مینماید هر منزلی دو قران به تا بین پیاده و توپچی و چهار قران «بسوار تأدیه نمایند ولی افواجی که خانواری ندارند کمافی - «السابق درموقع حرکت، کمک و معاونت معمول را از صاحبان «دینیچه دریافت مینمایند.

«ماده هفدهم - نظامنامه‌های راجع باین قانون را وزیر جنگ تهیه کرده و بموجب فرمان اعلیحضرت همایون بموقع «اجرا میگذارد.

«ماده هیجدهم - وزیر جنگ مأمور اجرای این قانون

است. ۵۸

نحوه سربازگیری، از این پس تا سال ۱۳۰۰ خورشیدی (۱۳۳۹ قمری) که ارتش نوین ایران بهمت اعلیحضرت رضا شاه کبیر بنیاد گذار ارتش نوین تشکیل

۵۸- مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه اول جلد یکم

شد بر همین اساس بود جز اینکه افراد دو سازمان ژاندارمری و دیویزیون قزاق همچنان بطور داوطلب استخدام میشدند .

از ابتدای تأسیس ارتش نوین ، مسأله تأمین احتیاج افراد ونحوه احضار آنها مورد توجه خاص سردار سپه ( اعلیحضرت رضا شاه کبیر ) قرار گرفت وبهین نظر بدو در ۲۶ سرطان ۱۳۰۱ ( تیر ماه ) مقرراتی برای سرباز-گیری بر اساس مقررات بنیچه سابق وضع گردید<sup>۵۹</sup> تا پس از مطالعه وبررسی کافی قانون کاملتری موافق مقتضیات زمان بمرحله عمل گذارده شود .

قانون سرطان ۱۳۰۱ شامل ۲۲ ماده ومقررات آن تقریباً همان مقررات قانون سال ۱۳۳۳ قمری بود جز اینکه در چند نکته اختلاف داشت و آن اینکه مدت خدمت حاضرالسلاح سربازی بموجب این قانون برای پیاده نظام دو سال وبرای توپچی وسوار سه سال (ماده ۱۷) و دوره خدمت بطور کلی ۱۲ سال (ماده ۲۰) تعیین شده بود و مقصود از دوازده سال دوره خدمت ، آن بود که «افرادی که مثلاً سه سال درقشون حاضرالسلاح خدمت مینمایند پس ازاینکه مرخص شدند تانه سال دیگر جزوقشون ذخیره محسوب ولدی الاقتضاء احضار خواهندشد وپس ازطبی دوره دوازده سال ، بطور کلی از خدمت معاف می گردند .» (تبصره ماده ۲۰) .

### متن قانون سربازگیری

مصوبه ۲۶ سرطان (تیر ماه) ایت ایل ۱۳۰۱ شمسی ۶۰  
ماده ۱ - افواج پیاده وسواره وتوپچی حتی الامکان از محلها وایلاتی که تا کتون مطابق بنیچه محلی قشون میدادند گرفته شود .

۵۹ - تاریخ ارتش نوین بخش نخست ص ۱۲۱ ، نشریه ستاد بزرگ ارتشتاران تألیف سر تیپ بیگلریور، سعید نفیسی، سر هنگ قائم مقامی - در مورد اینکه قانون سال ۱۳۰۱ بر اساس مقررات بنیچه سابق وضع شده است به مواد ۲ و ۱۹ قانون مزبور در متن همین مقاله مراجعه کنید .

۶۰ - همان کتاب ص ۱۴۸ تا ص ۱۵۳

- ماده ۲- ایلات و محلهای سواربده کما فی السابق بـدادن اسب سوارمکلف میباشند .
- ماده ۳- کلیه افراد قشونی که جدیداً داخل خدمت میشوند باید دارای شرایط ذیل باشند :
- ۱- مسلمان .
  - ۲- تبعیت ایران .
  - ۳- نداشتن سن کمتر از بیست و زیاد تر از سی سال .
  - ۴- صحت مزاج (و کامل الغلقه بودن) مطابق دستور صحیه .
  - ۵- عدم ابتلاء با استعمال تریاک .
- ماده ۴ - تعیین افراد قشونی هر محلی مطابق بنیچه از اشخاص پادار با رعایت شرایط ماده ۳ با اطلاع مالکین وریش- سفیدان آن محل مستقیماً بتوسط مأمورین قشون گیری بـه عمل خواهد آمد . هر گاه عده آنها مساوی با عده لازمست تمام آن افراد مکلف بدخول در خدمت نظامی خواهند بود . و اگر عده آنها بیشتر باشد ، عده لازم بحکم قرعه معین خواهد شد. مقصود از اشخاص پادار کسانی هستند که در محل بنیچه ، دارای علاقه از قبیل خانه ، ملک مزروعی ، باغ ، بـنه ، رعیتی ، حشم و امثال آنها باشند .
- ماده ۵- در صورتیکه عده نفرات اهالی محل با رعایت شرایط مقررہ کمتر از ماخذ بنیچه باشد عوض کسردا از جوانان پادار محلهای دیگر آن حوزه تهیه و معرفی می نماید ولیکن خود معرفیین ضامن و مسؤـول آن خواهند بود .
- ماده ۶ - محلهائیکه دارای ربع و نصف یا سه ربع بنیچه سرباز میباشند باید با رعایت همجواری و مسؤـولیت مشترک ، يك نفر سرباز موافق مقررات قشون گیری معین و بـمأمورین سرباز- گیری معرفی نمایند .
- ماده ۷- در صورتیکه بـملکت قصور افراد ، تفریط و ضایعاتی در اسلحه و ملزومات دیوانی و غیره بهمرسد یا اینکه فراد نمایند داری همان افراد و دارائی مالکین وریش سفیدان محل که ضامن آنها میباشند در درجه دوم ضامن قیمت و غرامت و خسارت تا موقع جلب فراری و استرداد اسلحه و ضایعات فوق خواهد بود .
- ماده ۸- مأمورین قشون گیری پس از تصویب و حکم ارکان حرب کل قشون از طرف امیر لشکر آن ناحیه معین و فرستاده می-

شوند و هرگاه ادکانه حرب کل قشون لازم بداند مأمور مخصوصی اعزام خواهد داشت .

ماده ۹- مأمورین قشونگیری مرکب خواهند بود از :

۱- یککنفر صاحب منصب .  
۲- صاحب منصب مأمور از طرف شعبه سربازگیری همان لشکر .

۳- یککنفر مأمور حکومت محل .

۴- طبیب نظامی .

۵- یککنفر منشی .

ماده ۱۰- صاحب منصبانی که ریاست کمیسیون را دارا هستند مسؤول حسن جریان امر سربازگیری و اجرای کامل این نظامنامه و موظف بدادن راپورت هر لشکر ناحیه خود میباشند .  
۲- صاحب منصب مأمور از طرف شعبه سربازگیری مسؤول تشخیص بنیچه و تعیین نفرات از روی دفاتر بنیچه بندی است که در آن شعبه موجود و معین شده است .

۳- نماینده حکومتی موظف است راجع باختلاف بین مأمورین قشونگیری و رعایا و مالکین و مراقبت در تسهیل و پیشرفت امور قشونگیری مسؤول باشد .

۴- طبیب نظامی مکلف بمعاینه دقیق افراد و رعایت مشروط صحیه قشونگیری میباشد .

۵- ثبت و ضبط تحریرات کمیسیون و ترتیب اتمام اوراق قیدنامه معافیت و غیره بامنشی خواهد بود .

ماده ۱۱- دفتر اساسی سنواتی نمره يك دارای ستونهای خواهد بود که قیودات ذیل در آن ثبت میشود :

۱- بنیچه ۲- نمره ۳- اسم ۴- پدر ۵- ده ۶- بلد  
۷- ارباب ده ۸- عوض کدام بنیچه ۹- صنعت و حرفه  
۱۰- سواد ۱۱- اعتیادات ۱۲- اهل و عیال ۱۳- سن ۱۴- قد  
۱۵- علامات صورت ۱۶- قطر و وزن ۱۷- ورود بخدمت ۱۸-  
ضمانت ۱۹- ملاحظات

ماده ۱۲- در صورتیکه خرابی و عدم استعداد یکی از محلهای قشون بده که بواسطه تفتیش مأمورین وزارت جنگ محقق گردد و وزارت جنگ نیز تصدیق کرده باشد ، وزارت جنگ میتواند محل مزبور را مادامیکه بحال خرابی و عدم استعداد باقی

است ازدادن کلیه یا قسمتی از عدهٔ بنیچه معاف و از محل‌های جدید و محل‌های تیکه قابل مالیاتند با موافقت وزارت مالیه بگیرد .

مادهٔ ۱۳- محل‌های تیکه مطابق قوانین یا احکام ، ازدادن نفرات قشونی معاف شده‌اند در صورتیکه معافیت موافق مادهٔ ۱۲ تصدیق شده باشد ، معاف خواهند بود . ( ورقهٔ معافیت مطابق مادهٔ نمره ۱۱ میباشد )

مادهٔ ۱۴- در مواردیکه افراد قشون ناقص الخلقه شوند و با تصدیق طبیب نظامی یا طبیب معروف محلی بنوعی عللیل المزاج تشخیص داده شوند که نتوانند تحمل خدمت نظامی را بنمایند بموجب راپورت جامعی با ادارهٔ ارکان حرب کل قشون ارسال خواهند شد .

مادهٔ ۱۵- افرادی که بواسطه ارتکاب به جنحه و جنایت و سایر اعمال زشت مطابق قانون جزای نظامی و راپورت محکمه قشونی باید اخراج شوند حکم اخراجی آنها از طرف ادارهٔ قشون- گیری صادر و راپورت جامع آن بوزارت جنگ ارسال میشود و عوض آنها در محل گرفته خواهد شد .

مادهٔ ۱۶- احضار و مرخصی افراد قسمتها و دستجات برای صفوف مختلفه به تشخیص و حکم وزارت جنگ است .

مادهٔ ۱۷- مدت خدمت تحت السلاح افراد قشونی نباید دقتاً متجاوز از دو سال باشد مگر در مواقع فوق العاده بحکم وزارت جنگ ( برای سوار و توپچی ممکن است سه سال باشد )

مادهٔ ۱۸- افراد قشونی اعم از حاضر خدمت و مرخص بخانه از مالیات سرانه، از بیگاری و تحمیلات سائرهٔ محلی معافند و عواض از اسب سواره نظام مطالبه نخواهد شد .

مادهٔ ۱۹- کمیسیون پس از اتمام وظیفهٔ خود کلیه افراد قشونی که جدیداً گرفته شده و در مرکز قشون حاضر کرده سان میدهد و اسامی آنها در دفاتر مخصوص ثبت و قید میشود ( موافق مادهٔ ۱ ) و نیز يك نسخه از آن به ارکان حرب از طرف امیر لشکر آن ناحیه فرستاده می‌شود .

مادهٔ ۲۰- مدت خدمت سربازی ( مادامیکه بطور بنیچه سرباز گرفته میشود ) از اول دخول بخدمت برای هر فردی دوازده سال خواهد بود .

تبصره - مقصود از دوازده سال دورهٔ خدمت، آن است که افرادی که مثلاً سه سال در قشون خدمت مینمایند پس از آنکه مرخص

شدند تا نه سال دیگر جزوقشون ذخیره محسوب ولدی الاقتضاء احضار خواهند شد. پس از طی دوره دوازده سال از خدمت معاف میگردند.

ماده ۲۱- خانواری ۱ همه ساله از طرف وزارت مالیه جمع خواهد شد و با اطلاع امیر لشکر و حواله مالیه نظام به افراد حاضره مطابق معمول محل پرداخت خواهد شد و در دفتر مخصوص ثبت میشود و گیرنده حواله بایستی ته چک را مهر و امضاء نماید و ته چک در اداره مالیه نظام خواهد ماند و نسخه ای از آن بار کانهرب قشون ارسال میگردد. چون خانواری استمراری سرباز بنیچه به موجب حکم دولت باید از طرف وزارت مالیه اخذ و جمع آوری شود، لذا هیچ فردی از افراد قشونی شخصاً حق گرفتن خانواری استمراری را از مالک یار عیت نخواهند داشت.

ماده ۲۲- قبوض و نوشتجاتی که از بابت استرضای و پادارانه ۱ و کمک خرج یا بهر اسمی که از طرف مالکین و یار عایای کلیه محلها در مواقع احضار سرباز به افرادی که بخدمت رفته اند داده شود و در دست آنها است صاحب منصبان مستقیم آنان باید صورتی از قبوض مربوطه برداشته و به ارکانجرب لشکر مربوطه بفرستند و کتابچه هائی در شعبه سرباز گیری مربوطه باز و کلیه آن قبوض و نوشتجات با ذکر اسم دائن و مدیون و اسم قراء و بلوک به طور وضوح ثبت بشود و مطابق آن بدهندگان قبوض اخطار شود که وجه سندی را که داده اند بهر طریقی که ممکن باشد تا یکماه بعد مستقیماً به نظامیان برسانند و هر گاه در رسانیدن وجوه مسامحه و تعلل نمایند با اطلاع و دستور العمل شعبه سرباز گیری مربوط به محل رفته جمع آوری نموده و با استحضار ارکانجرب لشکر مربوطه، با افراد برسانند و چنانچه مودیان وجوه فوق را

۱- خانواری، پول و جنسی بوده است که بطور مساوی از اهالی دهی که سرباز بنیچه از آن ده بخدمت میرفت جمع آوری و به خانواده سرباز داده میشود.

۲- پادارانه عبارت بوده است از ماهانه ای که چون کسی نامش در سیاهه بنیچه نوشته میشد و بجای خود کس دیگری را به سربازی میفرستاد به او و خانواده او میداد.



قبلاً بنخود افراد، کلاً و بغضاً پرداخته باشند باید صورت وجوه پرداختی را با توضیح اسم و رسم و تاریخ به ارکانحرب لشکر مربوطه اطلاع داده و در کتابچه فوق‌الذکر شبه سربازگیری قید و ذکر گردد.

ماده ۲۳- وزیر جنگ مأمور اجرای این قانون است. مواد قانون فوق بموقع اجراء میرسد.

پس از صدور اجرای این قانون اختلافاتی در میان مالک و زارع و مأمورین سربازگیری و قسمت‌های نظامی پیش‌آمد که وزارت جنگ ناچار شد مقررات دیگری را به شرح زیر وضع و برای اجراء ابلاغ کند.

۱- نظر به اختلافات زیادی که راجع به استخدام افراد داوطلب بنبیچه لشکرها پیش آمده است بشرح زیر مقرر میگردد:

۱- هیچ قسمتی حق دخالت در امور نبیچه قسمت دیگری ندارد و افراد نبیچه را نباید بضمیمه استخدام نمایند.  
۲- هیچیک از قسمتها حق ندارند فراری قسمت دیگر را در دست داشته باشند می‌توانند در موقع لزوم پس از ارائه اخراج نامه رسمی خود در قسمت دیگر استخدام شوند.

قسمت خود استخدام نمایند. فقط داوطلبانی که اخراج نامه رسمی ۳- هر قسمتی که بخواهد افراد جدیدی را استخدام نماید باید بدو ورقه هویت اشخاص را رؤیت نموده و ضمناً التزام محکمی به ضمانت ضامن معروف و معتبری گرفته شود که در صورتیکه کشف شود فراری و یا جزو قسمت دیگری بوده است مجازات و سپس تحت‌الحفظ به قسمت مربوطه اعزام گردد.

در موقع احضار سرباز، قبوض و اسنادی که از بابت وجه استرضایی و یادارانه و کمک خرج از طرف سرباز بده به سرباز داده میشود باید با استحضار کمیسیون و مأمورین سربازگیری در محل قبض و اقباض بشود و مأمورین مکلفند حاشیه قبوض مزبور را تصدیق بکنند و صورت جامع آنرا به ارکانحرب لشکر مربوط بدهند و بموجب مواد نظامنامه سربازگیری مأمورین فوق‌الذکر به هیچوجه حق دخل و تصرفی در زیادی و کمی و کم و کیفیت وجوه فوق در میان سرباز بده و سرباز نخواهند داشت و فقط بسته به رضایت طرفین است.

با این احوال، چون مسأله تأمین نیازمندی نفری و سربازگیری در ارتش نوین هیبایستی متناسب با وضع مترقی و طرحهای عالیه ارتش می‌بود،

بزودی در طرح سربازگیری تغییر داده شد - باین معنی که در سال ۱۳۰۴ خورشیدی اساس مقررات سربازگیری بر اصل وقاعدۀ سرشماری تمام کشور گذاشته شد و بدین منظور دو قانون یکی در مورد «احصائیه و سجل احوال» (برای تمیین نفوس و جمعیت حقیقی کشور) و دیگری در خصوص «خدمت اجباری» وضع و در شانزدهم خرداد ۱۳۰۴ بتصویب مجلس شورای ملی رسید<sup>۶۱</sup> و نام «شعبه سربازگیری» نیز که بر حسب قانون ۲۶ سرطان ۱۳۰۱ تشکیل شده بود به «ادارۀ نظام اجباری» و کمی بعد هم به «ادارۀ نظام وظیفه» تبدیل یافت<sup>۶۲</sup>.

اجرای این طرح و قانون، اگر چه در آغاز با مخالفت بسیاری از اشخاص که قانون موجود با مصالح آنها مغایرت داشت مواجه شد و ناراحتی هائی بوجود آورد ولی سرانجام بر کرسی قبول نشست<sup>۶۳</sup>.

بموجب قانون سال ۱۳۰۴ خدمت سربازی برای «کلیه اتباع ذکور دولت ایران اعم از سکنه شهرها و قصبات و قراء و ایلات و متوقفین در خارج از ایران از اول سن بیست و یک سالگی» اجباری شد (مادۀ ۱) و این ماده پر ارزشترین و مهمترین ماده قانون مزبور بود، زیرا قانون بنیچه سربازگیری که تا این زمان اجرا میشد، شامل حال قسمتی از اهالی کشور نمی گردید و بموجب آن طبقۀ اعیان و اشراف، شهرنشینان و برخی از ولایات مانند کاشان و رشت و گیلان که منسوجات کشور را تهیه می کردند از خدمت سربازی معاف بودند<sup>۶۴</sup>. بعلاوه مالکان بزرگ و مقتدر و همچنین بسیاری از ایلات و عشایر هم سرباز نمیدادند چنانکه ستوان پیشون<sup>۶۵</sup> فرانسوی که از سال ۱۲۵۵ قمری چندی جزو هیأت نظامی فرانسه در ارتش ایران خدمت می کرده است، می نویسد: قبایلی که در مرزها هستند و هر لحظه میتوانند به کشور همجوار مهاجرت و

۶۱- همان کتاب ص ۱۵۴ تا ص ۱۶۶

۶۲- همان کتاب ص ۱۲۲

۶۳- همان کتاب و همان صفحہ

۶۴- امیر گیلان شاه: یکصد و پنجاه سال سلطنت در ایران ص ۳۳

۶۵- J. Pichon

کوچ نمایند سرباز نمیدهند و تعداد سربازی هم که هر قبیله میدهد بستگی بقدرت خان و رئیس آن قبیله دارد<sup>۶۶</sup>. بنابراین با قانون سال ۱۳۰۴ نقص و عیب بزرگی که قانون بنیچه داشت یعنی استثنائی که بی سبب، در خدمت سربازی برای پاره‌یی از طبقات و اهالی و برخی از شهرها قائل شده بودند از میان میرفت.

مدت خدمت سربازی بنا بر قانون جدید جمعا ۲۵ سال و شامل سه دوره بود<sup>۶۷</sup>:

۱ - دوره خدمت نظامی بمدت شش سال (دو سال اول تحت‌السلح و چهار سال بعد احتیاطی).

۲ - دوره ذخیره بمدت ۱۳ سال (شش سال اول ذخیره مقدم و هفت سال بعد ذخیره تالی).

۳ - دوره پاسبانی<sup>۶۸</sup> بمدت شش سال.

و باین ترتیب هر سرباز پس از دو سال خدمت تحت‌السلح، وارد مرحله احتیاط میشد که مدت آن چهار سال بود و سپس دارد مرحله ذخیره بمدت ۱۳ سال می‌گردید. در مرحله اول این دوره (ذخیره مقدم) که شش سال بود سربازان هر دو سال یکمرتبه و در مدت ذخیره تالی (هفت سال دوم) هر سه سال یکمرتبه بمدت یکماه بایستی در حوزة خود برای تمرین تعلیمات و آموزش نظامی حاضر میشدند (ماده دهم).

بر اساس قانون مزبور، سازمانی برای سرباز گیری بنام «دایرة سرباز گیری و نظام اجباری» در نظر گرفته شد و اما چون اجرای سرباز گیری بروش مذکور مستلزم در دست بودن آمار جوانان و متولدین کشور می‌بود و چنین آماری

۶۶- گزارشهای پیشون قطعه ۴۴ در مجموعه ۱۶۷۳ بایگانی تاریخی ارتش فرانسه- حاجبی بهمین علل و برخی دلائل دیگر نظام بنیچه را در مقاله خود «نظام مقتضیات» نامیده است (مجله قشون شماره ۴ سال ۱۳۰۴ تیرماه)

۶۷- مواد ۱ و ۱۰

۶۸- این اصطلاح با عنوان پاسبان که از اصطلاحات و مراتب خدمتی اداره شهر بانست و بعدها وضع شده نباید اشتباه شود.

در سال ۱۳۰۴ هنوز در دست نبود، لامحاله انجام آن موکول به تشکیل «اداره ثبت احوال» می‌شد که آن نیز بتصویب مجلس شورایی رسیدن بود. بدین جهت اجرای قانون مذکور تا سال ۱۳۰۵ عقب افتاد.

در سال ۱۳۰۵ نام دائره نظام اجباری هم به «اداره نظام وظیفه» تغییر یافت<sup>۶۹</sup> و کشور ایران از لحاظ امور نظام وظیفه به حوزه‌ها و نواحی تقسیم شد<sup>۷۰</sup> تا فهرستی از موالییدی که برابر مقررات قانون خدمت نظام وظیفه میبایستی بخدمت احضار شوند تهیه گردد و نخستین دوره سربازان وظیفه که براساس این قانون و در سال ۱۳۰۵ خورشیدی بخدمت احضار شدند موالیید سال ۱۲۸۵ خورشیدی بودند.

بدین ترتیب، در بدو امر، سازمان کل اداره نظام وظیفه از یک اداره مرکزی در تهران و شش ناحیه در تهران، تبریز، اصفهان، مشهد و رشت تشکیل شد و هر یک از نواحی مزبور نیز دارای چندین حوزه اصلی و فرعی بودند.<sup>۷۱</sup>

در سال ۱۳۰۷ نام اداره مزبور به «اداره نظام وظیفه عمومی» تبدیل گردید<sup>۷۲</sup> و از این پس نیز هر چند زمان در سازمان آن اداره از حیث تعداد نواحی و حوزه‌های اصلی و فرعی تغییراتی داده شد که شرح مبسوط آنرا در جلد یکم تاریخ ارتش نوین می‌یابیم<sup>۷۳</sup> و این اداره بهمه جهت تا سال ۱۳۴۴ که ضمیمه وزارت کشور گردید و نام آن نیز به «اداره وظیفه عمومی» تبدیل یافت، همه وقت تابع وزارت جنگ و ارتش شاهنشاهی می‌بود.

اما قانون سال ۱۳۰۴، چون با شتابزدگی و تعجیل تهیه شده بود خواه ناخواه در عمل بانقائص و معایب و مشکلاتی روبرو شد که ناچار برای رفع

۶۹- بخش نخست تاریخ ارتش نوین ص ۱۲۱

۷۰- اجرای این تقسیمات در ماده چهارم قانون نظام اجباری بدین شرح پیش‌بینی شده بود که: «مملکت ایران مطابق تشکیلات قشونی بنواحی سربازگیری منقسم شده و افراد قشونی در مرکز حوزه‌های سربازگیری خود گرفته میشوند».

۷۱- تاریخ ارتش نوین ص ۱۲۱

۷۲- همان کتاب ص ۱۲۳

۷۳- همان کتاب و همان صفحه.

آنها در ۲۹ خرداد ۱۳۱۷ خورشیدی قانون دیگری بمنظور اصلاح و تکمیل قانون مزبور تدوین شده در اسفند همان سال بتصویب مجلس شورای ملی رسید. ۷۴

بر اساس این قانون که هنوز بقوت خود باقیست و اکثر مواد آن عیناً همان قانون سال ۱۳۰۴ است، مدت خدمت و وظیفه عمومی همان ۲۵ سال ولی شامل چهار دوره تعیین گردید: ۷۵

- ۱- دوره زیر پرچم بمدت دو سال
- ۲- دوره احتیاط بمدت چهار سال
- ۳- دوره ذخیره یکم بمدت چهارده سال
- ۴- دوره ذخیره دوم بمدت پنج سال

و برای روشن شدن تغییرات این ادوار بطور مثال حالات مراحل متوالی متولدین سال ۱۲۸۵ خورشیدی را یعنی نخستین دوره سربازانی که بخدمت احضار شده اند، در اینجا ذکر می کنیم:

سال تولد	خدمت زیر پرچم		مرحله احتیاط		مرحله ذخیره یکم		مرحله ذخیره دوم	
	ورود	خروج	ورود	خروج	ورود	خروج	ورود	خروج
۱۲۸۵	۱۳۰۵	۱۳۰۷	۱۳۰۷	۱۳۱۱	۱۳۱۱	۱۳۲۵	۱۳۲۵	۱۳۳۰

و بمنظور آگاهی بیشتر از نحوه احضار افراد احتیاط و ذخیره و موالید مختلف در سالهای بعد بتاریخ ارتش نوین مراجعه شود. ۷۶

۷۴- همان کتاب ص ۱۲۵

۷۵- مواد ۳ و ۴

۷۶- تاریخ ارتش نوین از ص ۱۲۷ تا ص ۱۳۱